

زبان عربی ۱

※ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ الْمَفْرَدَاتِ أَوْ الْحَوَارِ:

۱- أمرت المديرية طالباتها أن يطفئن المصابيح و مكيف الهواء قبل الخروج:

- ۱) مدیر به دانش‌آموزانش دستور داد که قبل از خارج شدن چراغ‌ها و کولر را خاموش کنند!
- ۲) خانم مدیر به دانش‌آموزان مدرسه دستور داد چراغ‌ها و کولر را قبل از رفتن خاموش کنند!
- ۳) مدیر به دانش‌آموزانش فرمان می‌دهد که چراغ و کولر را قبل از خارج شدن خاموش کنند!
- ۴) خانم مدیر به دانش‌آموزان مدرسه می‌گوید که چراغ‌ها و کولرها را قبل از رفتن خاموش کنند!

۲- نستفيد من المرافق العامة و نعلم أنها ليست لنا فقط بل يستفيد منها جميع الناس:

- ۱) از تأسیسات عمومی استفاده می‌کنیم و باید بدانیم که آن فقط برای ما نیست و مردم از آن بهره می‌برند!
- ۲) از مکان عمومی استفاده کردیم و می‌دانیم که آن فقط برای ما نیست و همه مردم از آن استفاده می‌کنند!
- ۳) از مکان عمومی بهره بردیم و می‌دانیم که همه مردم از آن بهره‌برداری می‌کنند و آن برای ما نیست!
- ۴) از تأسیسات عمومی استفاده می‌کنیم و می‌دانیم که آن فقط برای ما نیست بلکه همه مردم از آن استفاده می‌کنند!

۳- ينزل الله الأمطار من الغيوم و يصير الأرض بعد اغبارها خضرة:

- ۱) الله باران‌ها را از ابر نازل می‌کند و زمین بعد از تیرگی‌اش تروتازه می‌شود!
- ۲) خداوند باران‌ها را از ابرها فرو می‌فرستد و زمین را بعد از تیرگی‌اش سرسبز می‌گرداند!
- ۳) الله از ابرها باران فرو می‌فرستد و زمین بعد از تیرگی‌اش تروتازه می‌شود!
- ۴) خداوند از ابر باران‌ها نازل می‌کند و زمین بعد از تیرگی‌اش سرسبز می‌شود!

۴- كنت أقرأ ليلة أمس كتاباً له سبعة و خمسون صفحة و وجدت في الصفحة السادسة مفهوم الصداقة: ديشب

- ۱) کتابی را می‌خواندم که پنجاه و هفت صفحه داشت و در صفحه ششم مفهوم دوستی را یافتم!
- ۲) یک کتاب را خواندم که پنجاه و هفت صفحه بود و در شش صفحه مفهوم دوستی را خواندم!
- ۳) کتابی هفتاد و پنج صفحه‌ای را خواندم که در صفحه ششم مفهوم دوستی را پیدا کردم!
- ۴) یک کتاب هفتاد و پنج صفحه‌ای را می‌خواندم که در شش صفحه آن مفهوم دوستی را مطالعه کردم!

۵- ذاك هو الله الذي صير غصون الأشجار نضرة بالأمطار:

- ۱) خدا همان کسی است که شاخه‌های درختان را با باران سرسبز کرده است!
- ۲) آن همان خدایی است که شاخه درختان را با باران تروتازه کرده است!
- ۳) خدا همان کسی است که شاخه درختان را با باران‌ها سرسبز گردانده است!
- ۴) آن همان خدایی است که شاخه‌های درختان را با باران‌ها تروتازه گردانیده است!

۶- عَيْنِ الْخَطَاءِ فِي التَّرْجُمَةِ:

- ۱) كان الطلاب بانتظار والداتهم بعد الدوام الدراسي: دانش‌آموزان بعد از ساعت کار مدرسه در انتظار مادرانشان بودند!
- ۲) أيها الطلاب عليكم بانتخاب عنوان آخر للدرس الرابع: ای دانش‌آموزان شما باید عنوان دیگری برای درس چهارم انتخاب کنید!
- ۳) الحفاظ على هذه المرافق واجب على كل مواطن: نگهداری از این تأسیسات بر هر شهروندی واجب است!
- ۴) هذا الاقتراح حسن و سنتعاون على عمله: این پیشنهاد برای عمل کردن به آن خوب است!

۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

- ۱) و إجعل لي لسان صدق في الآخرين: و برای من در میان آیندگان یادی نیکو قرار می‌دهی!
- ۲) ربنا لا تجعلنا مع القوم الظالمين: پروردگارا! با گروه ستمگران ما را قرار نده!
- ۳) إرحم من في الأرض يرحمك من في السماء: به کسی که در زمین است رحم کرد تا در آسمان به او رحم شود!
- ۴) و إعملوا صالحاً إني بما تعملون عليم: کاری نیک انجام دهید، و به آن چه انجام داده‌اید آگاهم!

۸- عَيْنِ الْخَطَاءِ فِي الْحَوَارِ:

- ۱) هل حضرتك من الكويت؟ لا: أنا من العراق.
- ۲) كم عمرک یا أخی؟ أنا خباز في الأهواز.
- ۳) من أي مدينة أنت؟ أنا من مدينة دمشق.
- ۴) كيف وجدت إيران؟ إن إيران بلاد جميلة.

۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي مَفْهُومِ هَذَا الْبَيْتِ: «نكوكاري از مردم نیک‌رأی / یکی را به ده می‌نویسد خدای»

- ۱) «من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها»
- ۲) «رب إشرح لي صدري و يسر لي أمري»
- ۳) «ربنا آتنا في الدنيا حسنة و في الآخرة حسنة»
- ۴) «و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله»

١٠- عَيِّن الصحيح في الترادف أو التضاد:

- (١) وجدت في السوق بضائع رخيصة. (= غالية)
(٢) ما أصعب الإمتحانات في نهاية السنة. (≠ بداية)
(٣) رقدت أمي في المستشفى بسبب مرضي. (≠ وحدت)
(٤) شراء هذه الكتب ممنوع في بلدي. (= مسموح)

*** إقرأ النَّصَّ التالي بَدَقَّةٍ ثمَّ أجب عن الأسئلة.

«في بداية السَّنة الدَّراسية جاء معلِّمنا في الصَّفِّ و قال لنا عليكم برعاية بعض الأعمال. إعلموا اثنان خيِّر من واحد و ثلاثة خيِّر من اثنين و أربعة خيِّر من ثلاثة فعليكم الجماعة و قال لنا أربعة قليلها كثير: الفقر و الوجد و العداوة و النَّار. بعد ذلك سألت مَنْ أ تقدر شخصاً ذكر الكلام المفيد لأصدقائه؟ فأنا وقفتُ و قلتُ هذه الجملة بصوتٍ مرتفعٍ: من عَلَّمَ علماً أو غرس نخلاً فله أجرٌ عند ربِّه فشجَّعني المعلِّم و التلاميذ ففرحتُ و جلستُ في مكانتي.»

١١- أي مفهوم كان في كلام المعلِّم؟

- (١) الإتحاد (٢) إحترام الوالدين (٣) التعليم (٤) طلب الحلال

١٢- عَيِّن الصحيح على حسب النَّصِّ:

- (١) جاء المعلِّم في الصَّفِّ في أحد أيام الخريف.
(٢) قرأ الطالبان حديثين في الصَّفِّ.
(٣) وقف المعلِّم عند المدير في الصَّفِّ.
(٤) قال المعلِّم هذه المواعظ صباحاً.

١٣- كم عدداً أصلياً تشاهد في النَّصِّ؟

- (١) خمسة (٢) ستة (٣) سبعة (٤) ثمانية

١٤- عَيِّن الخطاء للفراغ:

- (١) ثلاثة و أربعون سبعة يساوي خمسين. (زائد)
(٢) خمسة و ستون ثلاثة يساوي خمسة. (في)
(٣) مئتان عشرين يساوي عشرة. (تقسيم على)
(٤) تسعة و سبعون أربعة يساوي خمسة و سبعون. (ناقص)

١٥- عَيِّن الصحيح في استخدام الأعداد:

- (١) الفصل الأربع من السنة هو الشتاء.
(٢) قرأتُ ثلاثة فصول من هذا الكتاب.
(٣) عندي اثنان صديقان و هما شاعران.
(٤) في القرن العشرين حصل بشر على أشياء غريبة.